

سفرنامه سکینه سلطان وقارالدوله

(۱۳۲۳ق./۱۲۸۲ش./۱۹۰۵م.)

تصحیح و پژوهش

دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ

نشر پانیز

تهران، ۱۳۸۴

وقارالدوله، سکینه سلطان

سفرنامه سکینه سلطان وقارالدوله (۱۳۲۳ق./۱۲۸۴ش./۱۹۰۵م.)/
تصحیح و پژوهش کیانوش کبانی هفت‌لنگ؛- تهران: پانیذ، ۱۳۸۴.
۱۳۶ ص، مصور.

ISBN: 964-7105-36-3

۱۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص ۱۲۵ - ۱۲۸، همچنین به صورت زیر نویس.

۱. ایران - سیر و سیاحت - قرن ۱۳ ق. ۲. وقارالدوله، سکینه سلطان - خاطرات.
۳. سفرنامه‌های ایرانی. ۴. ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ق.
الف. کبانی هفت‌لنگ، کیانوش، ۱۳۳۵. ب. افشار، ایرج، ۱۳۰۴. ج. عنوان.

۷ ص و ۱۳۷۹ DSR ۹۵۵/۰۷۴۵۰۴۲

۱۳۸۴

۴۳۱۴۵-۸۳م

کتابخانه ملی ایران



نشر پانیذ

سفرنامه سکینه سلطان وقارالدوله

تصحیح: دکتر کیانوش کبانی هفت‌لنگ

با مقدمه: ایرج افشار

چاپ اول، بهار ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

صفحه آرایشی: اعظم زارع مهرجردی

لیتوگرافی: باختر، چاپ: دالاهو

آدرس: تهران، خیابان وحید نظری، نبش ابوریحان، پلاک ۱۰۰

www.nashrepaniz.com

E:info@nashrepaniz.com

تلفکس: ۲۴۴۰۲۷۹-۶۹۵۲۵۱۹

مرکز پخش در خارج از ایران: سوئد، کتاب ارزان، ۰۰۴۶۸۷۵۲۷۷۰۹

ISBN:964-7105-36-3

شابک: ۹۶۴-۷۱۰۵-۳۶-۳

حق چاپ محفوظ و مخصوص است.

بها: ۱۵۰۰ تومان

۷	 فهرست مندرجات
۱۷	 پیش سخن
۲۱	 مقدمه
۳۷	 متن
۱۱۷	 کتابنامه
۱۲۰	 نامنامه
۱۲۵	 نامجاها
۱۲۸	 نامجاهای مقدّس
۱۲۹	 تصاویر

تاریخ	موضوع	صفحه
آغاز سفرنامه (۱۳۲۳ ق.)	فراهم آمدن مقدمات سفر به دستور شاه، برای بردن عروس به شیراز.	۳۷
پنج شنبه بیست و هفتم، اول	حرکت وقارالدوله از خانه خود؛ رفتن به اندرون شاهی؛ آرزوی سفر بی خطر؛ حرکت از اندرون به عزم سفر به اتفاق عروس (انیس الدوله)؛ و... جمعیت بدرقه کننده؛ ورود به منصوریه و اتراق در آنجا.	۳۹
جمعه بیست و هشتم، اول	زیارت حضرت عبدالعظیم؛ ورود به کهریزک؛ منزل کردن در باغ امین الدوله.	۴۲
شنبه بیست و نهم، اول	اتراق در حسن آباد؛ باد زیاد و بالاخانه های خوب.	۴۳
یک شنبه سیخ ر، اول	ورود به باغ امین السلطان؛ هوای گرم روز و هوای خوب شب.	۴۴
دوشنبه غره ر، ثانی	ورود به منزل پنجم (منظریه)؛ هوای گرم.	۴۴

- سه‌شنبه دوم ر. ثانی عزیمت و ورود به قم؛ همراهی ۴۴
 سربازها؛ اقامت در خانه امین‌السلطان
 و به زیارت حضرت معصومه (س)
 رفتن. بعضی همراهان و قارالدوله.
- چهارشنبه سوم ر. ثانی انجام کارهای لازمه؛ ورود ۴۵
 اعتضادالدوله حاکم قم به آنجا؛
 قرار بر تغییر مسیر از کاشان به نيزار.
- پنج‌شنبه چهارم ر. ثانی اقامت یک شب دیگر در قم؛ استحمام. ۴۶
 جمعه پنجم ر. ثانی زیارت حضرت معصومه (س)؛ ۴۶
 عزیمت و توقف در داغان؛ گرمای
 درجه اول جهنم.
- شنبه ششم ر. ثانی عزیمت به حسین‌آباد؛ عبور از نيزار؛ ۴۷
 ورود به منزل؛ خانه خوب و هوای خوب.
- یک‌شنبه هفتم ر. ثانی عزیمت به دلیجان و ورود به آنجا؛ ۴۷
 خانه بی‌آب؛ گل سرخ.
- دوشنبه هشتم ر. ثانی رفتن به آب گرم. ۴۸
- سه‌شنبه نهم ر. ثانی عزیمت به میمن (میمه) و صرف ناهار ۴۸
 در آنجا؛ پنیر و خیار تعارفی.
- چهارشنبه دهم ر. ثانی عزیمت و ورود به مورچه خورت؛ ۴۹
 هوای خوب؛ حیاط خوب.
- پنج‌شنبه یازدهم ر. ثانی عزیمت به گز و اقامت دو شبه در آنجا؛ ۴۹
 زردآلوی اصفهان.
- جمعه دوازدهم ر. ثانی توقف در گز. ۵۰

- ۵۰ شنبه سیزدهم ر. ثانی عزیمت و ورود به اصفهان؛
به جای آوردن
احترامات لازمه از جانب ظل السلطان؛
عبور از پل خواجو؛ حسرت ایام کودکی؛
پیشکش یکصد کله قند، شیرینی و...
- ۵۲ یکشنبه چهاردهم ر. ثانی دعوت به حضور ظل السلطان با کالسکه
و تشریفات و احترام؛ استقبال دختران
و زنان ظل السلطان در اندرون؛ صرف
عصرانه؛ مشایعت با تشریفات کامل.
- ۵۴ دوشنبه پانزدهم ر. ثانی ارسال هدیه برای عروس، از طرف
نایب الحکومه اصفهان.
- ۵۵ سهشنبه شانزدهم ر. ثانی عزیمت به مهیار؛ وداع با اصفهان؛ عبور
از تخت فولاد؛ آب و هوای بد مهیار.
- ۵۵ چهارشنبه هفدهم ر. ثانی عزیمت به شهرضا (قمشه) و ورود
به آنجا؛ تعزیه شهادت طفلان زینب و
جمعیت زیاد؛ تعزیه شهادت علی اکبر (ع)؛
اهدای پیشکش از طرف حاکم شهرضا؛
زیارت امامزاده.
- ۵۷ پنجشنبه هجدهم ر. ثانی منزل هفدهم (مقصودبیک)؛ باغ بسیار
خوب حسینقلی خان.
- ۵۸ جمعه نوزدهم ر. ثانی عزیمت به «ایزدخواست»؛ چیدن برگ
مو جهت دلمه؛ کشتن گوسفند؛ استقبال
جمعیت سواره از طرف صولت الدوله؛
جمعیت زیاد؛ رودخانه کوچک؛ پیشکش
گرفتن چهل من روغن و چهل رأس بره

با یک قالیچه برای عروس.

شنبه بیستم ر. ثانی

یکشنبه بیست و یکم ر. ثانی آباده (منزل بیستم)؛ ۶۰

استقبال سواران حاکم

آباده؛ عبور از کوچه باغهای آباده؛ موزیک؛

جمعیت زیاد تماشاچی؛ اجرای موزیک؛

دستخط شعاع السلطنه.

دوشنبه بیست و دوم ر. ثانی پیشکشهای معین الممالک حاکم آباده ۶۱

برای عروس و همراهان؛ نگرانی از

ناخوشی معین الحرم.

سه شنبه بیست و سوم ر. ثانی عزیمت به سرمه؛ قربانی کشتن و ابراز ۶۲

احساسات در بین راه؛ اجرای موزیک

در سرمه؛ آتشبازی قورخانه چپها؛ اقامت

در باغ و پختن آش.

چهارشنبه بیست و چهارم منزل بیست و دوم (خانه خوره)؛ ۶۳

تشریفات بسیار خوب؛ گلو درد

انیس الدوله (عروس).

پنجشنبه بیست و پنجم دهبید (منزل بیست و سوم)؛ تب شدید ۶۴

عروس و اوقات تلخی همراهان؛

سواران زیاد و اهدای پیشکش؛ قربانی کردن

گوسفند و دعا جهت رفع بیماری عروس؛

انعام دادن به همه اهل اردو.

جمعه بیست و ششم ر. ثانی عزیمت به عباس آباد؛ بهبود حال عروس. ۶۵

شنبه بیست و هفتم ر. ثانی منزل بیست و پنجم (قادرآباد)؛ ۶۶

باغ خوب و

اهدای یک برّه از طرف کدخدا.

- یکشنبه بیست و هشتم. ثانی عزیمت به علی آباد؛ راه باصفا؛ جنگل
سبز؛ اتراق در باغ؛ ارسال پیشکش
از طرف قوام الملک و گرمی هوای باغ. ۶۷
- دوشنبه بیست و نهم. ثانی منزل بیست و هفتم (سیوند)؛
رودخانه ها
و جویهای آب؛ هوای گرم؛ حمام بلغار
عروس. ۶۸
- سه شنبه سیام ر. ثانی عزیمت به تخت جمشید؛ استقبال
شاطرهای شعاع السلطنه از عروس و
چند نفر از رجال؛ هوای گرم تخت جمشید؛
شیرینی خوب از طرف ناظر. ۶۹
- چهارشنبه یکم ج. اوّل عزیمت به زرقان؛ صحرای سبز؛ عبور
از پل خان؛ پیشکش کدخدا؛ منزل کردن
در حیاط؛ عبور از دو گردنه. ۷۰
- پنجشنبه دوم ج. اوّل استقبال از عروس با تشریفات کامل
در نزدیکی شیراز؛ جمعیت زیاد زن و
مرد شیرازی؛ ورود به باغ ارم و آذین
بستن سردر باغ و... ۷۱
- جمعه سوم ج. اوّل ورود به خانه سردار اکرم داماد
ناصرالدین شاه با احترام و تشریفات
کامل؛ معرفی خانمهایی که حضور داشتند
از طرف افتخارالدوله دختر ناصرالدین
شاه و همسر سردار اکرم؛ پیشکش طاقه
شال و پنجهزاری زیاد؛ نهار مفصل؛
تماشای آتشبازی در شب. ۷۳

- شنبه چهارم ج. اول توقف در باغ ارم؛ رقص و خواننده
و ساز و آواز. ۷۴
- یکشنبه پنجم ج. اول بردن عروس به خانه داماد؛
جمعیت زیاد؛
چراغانی و آتشبازی؛ شب ششم جشن
عروسی؛ ورود عروس به اندرون؛ دست
به دست دادن عروس و داماد؛ گم شدن و
پیدا شدن انگشتر عروس؛ اهدای رونما
از طرف داماد به عروس. ۷۵
- دوشنبه ششم ج. اول پیشکش هدایای عروسی از شال
و پول و غیره. ۷۶
- سهشنبه هفتم ج. اول ارسال جواهر برای عروس از تهران از
طرف درباریان و صدراعظم؛ هدیه
وقارالدوله به عروس؛ خانمهای مهمان
با لباسهای قشنگ. ۷۸
- چهارشنبه هشتم ج. اول مهمانی زنهای علما؛ ده شبانهروز
عروسی؛ محمل روی شتر در شب عروسی؛
زیارت شاه چراغ؛ تصمیم به عزیمت
به تهران؛ اسامی کسانی که تعارف گرفته
و کسانی که تعارف آورده اند. ۷۹
- سهشنبه بیست و یکم ج. اول عزیمت به تهران؛ وداع با عروس
(انیس الدوله)؛ زیارت شاه چراغ و
اتراق در باغ جهاننما. ۸۵
- چهارشنبه بیست و دوم ج. اول مشایعت اعیان شیراز. ۸۶

- ۸۷ پنج‌شنبه بیست و سوم ج. اول بازگشت از شیراز؛ عزیمت به اکبرآباد؛
بستن بارها؛ راههای بد و شب تاریک.
- ۸۷ جمعه بیست و چهارم ج. اول عزیمت به زرقان؛ عبور از گردنه.
- ۸۸ شنبه بیست و پنجم ج. اول عزیمت به تخت جمشید؛
موضوع شام و ناهار.
- ۸۹ یک‌شنبه بیست و ششم ج. اول منزل سیوند در تلگرافخانه و جای بد؛
تب کردن وزیر.
- ۹۰ دوشنبه بیست و هفتم ج. اول علی آباد کیمن؛ باغ قوام‌الملک؛ گرمای
زیاد هوا؛ افتادن بارها توی رودخانه.
- ۹۱ سه‌شنبه بیست و هشتم ج. اول اتراق در منزل جهت رفع خستگی.
- ۹۱ چهارشنبه بیست و نهم ج. اول عزیمت به قادرآباد ملک صنیع‌الدوله؛
هوای گرم.
- ۹۲ پنج‌شنبه غره ج. ثانی عزیمت به دهبید؛ غصه سیورسات؛ کمبود
آذوقه و پلو به جای نان.
- ۹۲ جمعه دوم ج. ثانی عزیمت به عباس آباد.
- ۹۳ شنبه سوم ج. ثانی عزیمت به خان خوره و منزل در
باغ آنجا؛ دلتنگی.
- ۹۳ یک‌شنبه چهارم ج. ثانی سورمق؛ پختن آش رشته و کشتن
گوسفند قربانی.
- ۹۳ دوشنبه پنجم ج. ثانی عزیمت به آباده؛ قربانی کردن گوسفند و
اهدای مجموعه‌های شیرینی.
- ۹۴ سه‌شنبه ششم ج. ثانی اتراق.
- ۹۴ چهارشنبه هفتم ج. ثانی عزیمت به شولکستان؛ نصب چادر
لب آب.
- ۹۴ پنج‌شنبه هشتم ج. ثانی منزل ایزدخواست؛ ملخ زیاد.

- جمعه نهم ج. ثانی خروج از خاک شیراز؛ منزل در مقصودبیک ۹۴
و قربانی کردن گوسفند.
- شنبه دهم ج. ثانی عزیمت به شاهرضا؛ کمبود آذوقه؛ اتراق ۹۵
در خانه و باغ.
- یکشنبه یازدهم ج. ثانی پختن آش رشته و رفتن به زیارت. ۹۵
- دوشنبه دوازدهم ج. ثانی اتراق در مهیار (ده بانوی عظمی)؛ ۹۵
شدت گرما.
- سهشنبه سیزدهم ج. ثانی ورود به اصفهان؛ صرف چای در روی ۹۵
پل خواجو؛ اتراق در خانه‌ای در چهارباغ.
- چهارشنبه چهاردهم ج. ثانی دعوت از اقوام. ۹۶
- پنجشنبه پانزدهم ج. ثانی انجام کارهای لازم در اصفهان. ۹۶
- جمعه شانزدهم ج. ثانی ملاقات با اقوام و تدارک مهمانی آنها ۹۷
در زمان رفتن به شیراز.
- شنبه هفدهم ج. ثانی رفتن به تخت فولاد برای زیارت مقبره ۹۸
جد صاحب سفرنامه.
- یکشنبه هجدهم ج. ثانی بازدید از چهلستون؛ قرآنی به خط ۹۹
حضرت امام حسین (ع) و بازدید از مسجد شاه.
- دوشنبه نوزدهم ج. ثانی عزیمت به «گز»؛ گرمای زیاد؛ دلتنگی. ۱۰۰
- سهشنبه بیستم ج. ثانی «مورچه‌خورت»؛ تلف شدن شترها و ۱۰۱
گرمای زیاد.
- چهارشنبه بیست و یکم ج. ثانی عزیمت به طرق؛ اتراق در باغ؛ ده ۱۰۱
قشنگ؛ مشکل سیورسات.
- پنجشنبه بیست و دوم ج. ثانی عزیمت به نطنز؛ راه ریگزار و بی آب. ۱۰۲
- جمعه بیست و سوم ج. ثانی عزیمت به خالدآباد؛ دهات زیاد در راه؛ ۱۰۳
حوضخانه قشنگ.

- شنبه بیست و چهارم ج. ثانی راه شنزار؛ سختی حرکت اسب و
واماندن کالسکه در راه ابو زید آباد؛
شدت گرما؛ اتراق در منزل. ۱۰۳
- یکشنبه بیست و پنجم ج. ثانی ورود به کاشان؛ خاک و شن نرم در راه؛
هندوانه زیاد؛ گرمای زیاد. ۱۰۴
- دوشنبه بیست و ششم ج. ثانی ناخوشی برادر معتمد الملک؛
زیارت امامزاده طیب و امامزاده
سلطان حبیب. ۱۰۵
- سهشنبه بیست و هفتم ج. ثانی حرکت از کاشان و مشکل بارها و
هوای بسیار گرم. ۱۰۶
- چهارشنبه بیست و هشتم ورود به سن سن؛ هوای گرم. ۱۰۷
- ج. ثانی
- پنجشنبه بیست و نهم ورود به پاسنگان؛ یخ و میوه. ۱۰۸
- ج. ثانی
- جمعه غره رجب ورود به قم؛ ادای نماز سلمان. ۱۰۹
- شنبه دوم رجب زیارت؛ کشتن گوسفند و تقسیم آن
بین مردم جهت شفای بیمار کاروان. ۱۱۰
- یکشنبه سوم رجب زیارت امامزاده علی بن جعفر (ع)؛
زیارت حضرت معصومه (س)؛ خروج
از قم؛ ورود به منظریه و اقامت در
مهمانخانه. ۱۱۱
- دوشنبه چهارم رجب وخامت حال مریض (برادر
معتمد الملک) و درگذشت او؛ فرستادن
متوفای به قم و عزیمت به علی آباد. ۱۱۲
- [چهارشنبه ششم رجب] منزل سی و یکم (حسن آباد). ۱۱۳

- پنج‌شنبه هفتم رجب ورود به حضرت عبدالعظیم؛ ۱۱۲
زیارت حرم مطهر؛ شکرگزاری برای زنده ماندن؛
کیسه‌های انعام؛ حضور استقبال کنندگان
در نزدیک شهر؛ ورود به تهران؛ دعوت
از نویسنده سفرنامه به اندرون شاه.
یک‌شنبه دهم رجب ورود به اندرون؛ ملاقات بامهد ۱۱۵
علیا؛ دعا برای مظفرالدین شاه؛ اختتام سفرنامه.

پیش سخن

نوشته‌های پیشینه از بانوان ایران، بسیار اندک است. معمولاً در تذکره‌ها و مجموعه‌ها، از آنهایی ذکر شده است که سراینده بوده‌اند. خوشبختانه در این سی و چهار سال اخیر، اطلاعاتی درباره‌ی نویسندگی (جز سرایندگی و خوشنویسی) آنان به دست آمده است.^۱ از زمانی که این طبقه، توانسته‌اند تحصیل سواد کنند - یعنی آنها که نوشتن را آموخته‌اند - روز به روز بر شمار نوشته‌هایشان افزوده شده است. اکنون بانوانی را می‌شناسیم که در بسیاری از زمینه‌های علمی، دارای تألیفاتند و مخصوصاً در رشته‌های مربوط به علوم انسانی و نویسندگی‌های آفرینشی، آثار ماندگار به عرصه و عرضه می‌رسانند. اگر بخواهیم نویسندگی بانوان را به صورت سالشماری مورد سنجش قرار دهیم، می‌توان چهار دوره را در نظر گرفت:

۱. پیش از عصر ناصری که دوره‌ی خاموشی آنان در نثرنویسی است یا نوشته‌هایشان از میان رفته است. صاحبان ذوق و کمال از میان آنان، شعر

۱. نوشته‌های زنان دوران قاجار، از ایرج افشار، مندرج در «گلزار خاموش»، به کوشش محمد گلبن، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷ - ۱۱۳.

سروده‌اند که در دیوانها و تذکره‌ها، نمونه‌هایی باقی مانده است. تاکنون تنها نوشته‌ی منشوری که از زنان فارسی‌نویس در دست داریم، خاطرات گلبدن بانو، دختر بابر و خواهر همایون پادشاه است که به نام «همایون نامه»، طبع شده است. چون او، فارسی زبان از خاندان جغتائی و از سلسله خاندان پادشاهان مغولی هندوستان است، در زمره بانوان ایرانی به شمار در نمی‌آید؛ ولی بانوی نامور و نویسنده زبان فارسی است. ناگفته نماند که خوشنویسانی هم از این طبقه، در دوره سلطنت فتحعلی شاه بوده‌اند.

۲. از عصر ناصری تا دوره مشروطیت؛ خوشبختانه نمونه‌هایی به صورت سفرنامه منشور از قلم بانوان به دست آمده است.

۳. از دوره مشروطیت تا شهریور ۱۳۲۰ که آغاز ورود زنان به جرگه روزنامه‌نویسی و تألیف کتاب است.

۴. از شهریور ۱۳۲۰ به بعد که مظاهر نویسندگی آنها را، در همه زمینه‌ها در دست داریم.

سفرنامه‌ای که اینک انتشار می‌یابد، یکی از نوشته‌هایی است که مرتبط به دوره دوم خواهد بود. قدیمی‌ترین سفرنامه‌ای که از یک بانوی ایرانی می‌شناسیم، سفرنامه منظوم مگه است. بانوی سراینده آن، همسر میرزا خلیل رقم‌نویس بوده است. آن سروده، مربوط به پیش از سال ۱۱۰۴ است. زیرا نسخه خطی آن، مورخ به سال مذکور می‌باشد.^۱

دیگر، سفرنامه دختر فرهاد میرزا معتمدالدوله است که به همسری نصیرالدوله شیرازی درآمد و از جریان سفر خود به مگه و عتبات (سال ۱۲۹۷)، سفرنامه نوشته است.^۲

۱. سفرنامه‌های فارسی تا روزگار استقرار مشروطیت، نوشته ایرج افشار؛ جشن نامه استاد ذبیح‌الله صفا، به کوشش محمد ترابی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۲. خوشبختانه این سفرنامه مگه (به کوشش رسول جعفریان، قم، ۱۳۷۴)، به چاپ رسیده است.

۲. همان پیشین. این سفرنامه هم، به کوشش رسول جعفریان، به چاپ رسیده، میراث

سومین سفرنامه، از آن خاوربی بی، خواهر یار محمدخان سهام الدوله بجنوردی شادلو است که در سال ۱۳۲۱ قمری، از بجنورد به طهران سفر کرد تا مراسم عروسی ترکان بی بی شادلو را با علی اکبر سیف السلطنه، پسر آجودان باشی کل، به انجام برساند. ضمناً مهرتاج خانم مهر السلطنه افشار، خواهر سیف السلطنه را، به عقد عزیزالله سردار معزز شادلو درآورده، از تهران به بجنورد حرکت دهد.^۱

چهارمین سفرنامه، می باید همین متنی باشد که در این صحایف، به چاپ رسیده است و دوستاناران سفرنامه خوانی و علاقه مندان به تحقیق در اسلوب نگارش بانوان و البته پژوهشگران رشته تاریخ، از آن، بهره یاب خواهند بود.

کوشنده ارجمند چاپ متن، در مقدمه مبسوط خود، نویسنده را معرفی کرده و اختصاصات نگارشی او را، مشروحاً برگفته است.

اگرچه از جنبه جغرافیائی، در آن نکته تازه ای نیست - زیرا از شاهراهی رفته و بازگشته است که راه عمومی میان تهران و شیراز بوده است - ولی از چندین نگره دیگر، دربردارنده اطلاعات عصری و بازگوی تمدن دوره ای است که گوشه های زیادی از آن، برای کنونیان نامشخص است. طبعاً برای آیندگان، گنجینه آگاهی های مدنی بیشتری خواهد بود.

نویسنده، نام مقداری از اسباب و اثاثیه های را می آورد که حتی اصطلاح آنها، امروزه فراموش شده و چه بسا که مورد مصرف از میان رفته است. آداب سفر و اتراق و طرز زندگی مسافران را، در نوشته خود مندرج ساخته است. خواننده و جوینده را، با اطلاعات زیادی نسبت به

اسلامی ایران، جلد ششم (قم، ۱۳۷۶).

۱. این سفرنامه را، قدرت الله روشنی زعفرانلو، در کتاب «سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی» چاپ کرده است (تهران، ۱۳۷۴) صفحات ۱۷۳ - ۲۱۹. نیز، مراجعه شود به توضیحات هوشنگ شادلو در همان کتاب، ص ۱۸ - ۲۲.

اشخاص و مخصوصاً نسبت‌های خانوادگی میان آنها، آشنا می‌کند. حاوی عده‌ای از القاب است که شاید در جای دیگر، به آسانی دستیاب نشود، مخصوصاً در مورد بانوان. ممزوج است به اصطلاحات رایج در تداول عامه، مانند «پیر پات» که امروزه «پیر و پاتال» گفته می‌شود. از لابه‌لای آن، با نوع تعارفات و پیشکش‌هایی که از جانب بزرگان، به مراسم عروسی‌های مجلل اهدا می‌شده است، آشنائی می‌گیریم. همچنین، درمی‌یابیم که سیاق و آداب انعام دادن، از مهتران به کهتران چگونه بوده است و بسیاری نکته‌های ظریف دیگر که می‌تواند در بازنمایی فرهنگ و آداب عروسی آن روزگار، به کار آید. مطالب این سفرنامه و سفرنامه خاوربی‌بی، مجموعاً بهترین مدرک عصری برای چنان پژوهشی است.

موقعی که آقای دکتر کیانی، در تلفظ از من پرسیدند: وقارالدوله‌ای که با شیراز مرتبط می‌بوده، که بوده است؟ من، ذهنم متوجه به خاندان وصال شد. زیرا یکی از بزرگان آنها، ملقب به وقارالسلطنه (محمود) بود و خواهر شادروان ذکاءالملک فروغی را، در حباله نکاح خود داشت. اما اینک که سفرنامه را خوانده‌ام و تحقیق روشن آقای دکتر کیانی را، درباره نویسنده آن دیده‌ام، بیشتر بر اهمیت نوشته آن بانوی باوقار باذوق، وقوف یافته‌ام. امیدوارم خوانندگان گرامی هم، از آن، بهره‌مندیهای دلخواه بیابند.

ایرج افشار

فرا تر از چهل و کمتر از پنجاه بوده و این سن و سال، با مأموریت محوله به وی و داشتن مسئولیت «عروسبانی» در کاروان، کاملاً تناسب داشته و جور در می‌آید.

اما وقارالدوله سفرنامه‌نویس، به چندین دلیل، ممکن است همان سکینه سلطان همسر پیشین ناصرالدین شاه باشد که بعدها به حکم تقدیر، به عقد میرزا اسماعیل خان معتصم‌الملک هم درآمده است:

۱. بخشیدن برخی از زنان حرم شاهی به بعضی از چاکران، حاکمان، سران طایفه‌ها و تاجران - در ازای خدمتی که به شاه می‌کرده‌اند - معمول و مرسوم پادشاهان قاجار بوده است. شاهزاده احمد میرزا عضدالدوله پسر فتحعلی شاه، در این باره نوشته است: «امان‌الله خان، والی کردستان، ده هزار اشرفی نقد و پنج قطار قاطر تخت روان ... و بیست قالیچه ممتاز قیمتی پیشکش کرد. در همان سفر، یکی از خادمان حرم سلطنت را، خاقان مرحوم [فتحعلی شاه] طلاق داده، با جواهر و اثاث و تجمل و غیره، به امان‌الله والی التفات فرمودند. از حرمخانه، به اشخاص محترم، این قسم التفات می‌شده است.»^۱

در کتاب «زن در دوره قاجار» نیز، آمده است که «فتحعلی شاه، دوازده تن از زنان خود را، به اسماعیل خان نامی واگذار کرد.»^۲ و نیز، «ناصرالدین شاه، به منظور قدردانی از خدمات یکی از تجار فرش اصفهان، یکی از زنان بسیار زیبای خود را، به وی بخشید.»^۳

۲. اغلب زنان حرم، پس از مرگ پادشاه، با بزرگان دربار یا مایه‌داران

۱. عضدالدوله، شاهزاده احمد میرزا: تاریخ عضدی، به کوشش کوهی کرمانی، حسین، چاپخانه مظاهری، چاپ دوم، تهران ۱۳۲۸ ش، ص ۳۵.

۲. دلریش، بشری: زن در دوره قاجار، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵، ص ۲۱۱.

۳ و ۲. زن در دوره قاجار، ص ۲۱۲.

بازار، ازدواج می کرده‌اند تا بدین طریق، از بی سرو سامانی و بلای بیوگی، در امان باشند. چنانچه نوشته‌اند: «بزرگترین مصیبتی که گریبانگیر زنان حرمسرا می‌شد، بعد از مرگ شاه وقت بود. اگر زنی از زنان شاه متوفّا، ظاهری برازنده داشت، درباریان، خواستار وی می‌شدند و در این میان موفقیت، با قدرتمندترین آنها بود.»^۱

بنابراین، بعید به نظر نمی‌رسد که سکینه سلطان همسر ناصرالدین شاه هم، به دنبال چنین فرایندی قهری، از حرمسرای شاهی رانده شده و به زندگی در سرای دولتمردی چون معتصم‌الملک وزیر، رضا داده باشد. کتاب «زندگینامه رجال و مشاهیر ایران»، از «سکینه سلطان» نامی یاد می‌کند: «سکینه سلطان خانم، تک فرزند حاجی محمد رحیم (برادر حاج محمد حسن امین‌الضرب اصفهانی مشهور به کمپانی) و همسر حاج میرزا آقا پسر حاج عباس صراف بود.»^۲ در جای دیگری از این کتاب، آمده است: «سکینه سلطان، پس از فوت شوهرش، به عقد آقا فرج‌الله، پسر دانی پدرش درآمد.»^۳

ولی آنچه از خود سفرنامه برمی‌آید، این است که وقارالدوله، در هنگام سفر به شیراز (۱۳۲۳ ق.)، همسر میرزا اسماعیل خان معتصم‌الملک بوده و آن مرد، مسئولیت آورد و برد کاروان را عهده‌دار بوده است. نمونه‌های زیر، گواه این مدّعا است:

۱. [از] دیروز تا به حال - که جناب وزیر [معتصم‌الملک] تب کرده - اوقاتم زیاد تلخ است؛ امّا به روی مبارکم نمی‌آورم که باعث اوقات تلخی خانم و شاهزاده کوچک نشود. (ص ۵۵)

۲. فرستادم یک دستگاه اسباب شربت خوری خیلی خوب، برای حضرت اقدس والا و یک دست شربت خوری بسیار خوب، ابتیاع

۲ و ۴. مرسلوند، حسن: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ۵ مجلد، انتشارات الهام، چاپ اول، تهران ۶۹-۱۳۷۵، صص ۲۹۱، ۳۸۷ و ۳۹۱.

نمودند به پنجاه تومان. شربت خوری را با یک جلد قرآن کوچک، از قول جناب معتصم‌الملک، برای حضرت اشرف ارفع والا مبارکباد دادم و شیرینی خوری را با یک جعبه بزرگ و یک دانه پَر خوب، برای نوابه علیه انیس‌الدوله، از قول خودم مبارکباد دادم. (ص ۶۷)

۳. معلوم شد که حضرت اقدس [ملک منصور میرزا] هم، به این مخلصه مرحمت دارند. چنانچه دیشب فرمودند: فلان کس [وقارالدوله]، هیچ تهران تشریف نبرید. شما با اخوی زاده‌تان، آقا میرزا احمدخان بمانید. جناب وزیر [معتصم‌الملک] - چون کار دارند - بروند. بعد از چند ماه دیگر، شما را با خانم حاجیه، می‌فرستم مکه معظمه؛ بعد از آن، [به] طهران می‌فرستم. (ص ۶۸)

وقارالدوله، در جای دیگری از سفرنامه خویش، خود را نوه دختری آقا محمد بیدآبادی قلمداد کرده است: «امروز ... رفتم تخت فولاد ... جد مادری من، مرحوم آقا محمد بیدآبادی مجتهد بوده؛ برای زیارت او رفتم. دیدم مقبره‌اش را، تازه تعمیر کرده‌اند. گفتم: ماها - که اولادش هستیم - که خبر نداریم که آیا کی تعمیر کرده؟!» (ص ۹۰ - ۹۱)

وی، همچنین در پایان سفرنامه، خود را بدین صورت معرفی کرده است: «به اتمام رسید، سفرنامه اقل، زائر بیت‌الله الحرام، سکنه سلطان، ملقب به وقارالدوله.» (ص ۱۱۱)

آنچه در این میان، اهمیت بیشتری دارد، اثر به جا مانده از خانم وقارالدوله است که از جنبه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، دینی و ادبی، قابل اعتناست. در اینجا، به برخی نکته‌های ادبی اثر، اشاره و بررسی دیگر جنبه‌های آن، به خوانندگان گرامی سپرده می‌شود.

ویژگیهای سبکی اثر

نثر سلیس این سفرنامه - که بازمانده یکصد سال پیش است - به نثر روزنامه‌ای زمان ما می‌ماند. هیچگونه پیچیدگی در ساخت و بافت

عبارتهایش دیده نمی‌شود و توفیر بنیادین با نثرهای منشیانه رایج در زمان نگارنده دارد. جمله‌هایش، ساده و کوتاه است و از گرایش بسیار به زبان گفتار و محاوره‌ای برخوردار می‌باشد.

کوتاه سخن آنکه از دیدگاه سبک‌شناسی، در خور بررسیهای بیشتر و برای خوانندگان گرامی، بسی سودمند است.

برخی از برجستگیهای این گزارش تاریخی، به شرح زیر است:

۱. آوردن گونه‌های مختلف واژه‌ها، در جای جای اثر:

- فرسخ / فرسنگ: راه‌پنج «فرسخ» است (ص ۴۲)؛ راه چهار فرسنگ

است. (ص ۴۳)

- دلتنگ / تنگدل: چنان خوب رفتار می‌کرد که هیچکس، از او

«دلتنگ» نبود. (ص ۹۹)؛ از خیال آنها، «تنگدل» شده بودم. (ص ۳۵)

- نهار / ناهار: هنگام رفتن به شیراز، شبانه‌روزی چهل قاب شام و

«ناهار» می‌داد و برگشتن، شبانه‌روزی سی و دو قاب «ناهار» و شام

می‌داد. (ص ۹۹)

۲. دوباره جمع بستن جمعهای شکسته عربی، با «ها»ی فارسی یا

«ات» عربی:

- یکی یکی «جواهرها» را نشان دادیم (ص ۶۶)؛ خدا، وجود مبارک

شاه عالم پناه را بی‌بلا کند که همچو «اولادهائی» به این خوبی تربیت

کرده. (ص ۶۸)

- ... اما «عیویات» راه را فرمودند. (ص ۹۶)

۳. کاربرد واژه‌های عامیانه «ناخوش» به جای «بیمار و مریض»، و

«تو»، به جای «درون و داخل»:

- با اصرار زیاد، «ناخوش» بیچاره، همه را راه انداخت. (ص ۱۰۵)

- «توی» مهمانخانه، منزل کرده بودیم. (ص ۱۰۴)

۴. استفاده از قید عامیانه «شکر خدا» به جای «الحمد لله»، در جای

جای اثر:

- صبح شد، «شکر خدا». (ص ۳۰)
- بسیار خوش گذشت، «شکر خدا». (ص ۳۱)
- «شکر خدا»، جناب وزیر هم، تشریف آوردند. (ص ۷۶)
- باز هم «شکر خدا» که نزدیک است تمام بشود. (ص ۹۹)
- ۵. انداختن یای واسطه یا میانجی، ازین «اسم» و «ضمیر» پیوسته به آن:
- هم لنگ شده، زخم شده، هم استخوانها «شان» درآمده. (ص ۹۸)
- ما هم، کارها «مان» را کردیم. (ص ۱۰۴)
- ۶. افزودن «تای تأیید» به عنوانها و صفتهای زنانه، به تقلید از عربی:
- سفارش زیاد به «این جانبه» فرمودند. (ص ۲۲)
- عصری، «نوابه» «علیه» «عالیه»، با آدمها به زیارت مشرف شدند. (ص ۲۸)
- ماشاء الله دارای همه صفات «حمیده» است. (ص ۱۱۰)
- خدا می داند که تملق و دروغگوئی، در وجود این «مخلصه» «حقیره» پیدا نمی شود. (ص ۱۰۹)
- ۷. جمع بستن ضمیر شخصی «ما» و ضمیر مشترک «خود»:
- جمعیت ... آنقدر بودند که «ماها»، کسی را نمی دیدیم. (ص ۶۴)
- «ماها»، پشه بند داشتیم! قدری خوابیدیم. (ص ۵۶)
- در باغ، کسی نمائد غیر از «خودها» مان. (ص ۶۳)
- ۸. کاربرد فراوان وجه وصفی (صفت مفعولی)، به جای فعل ماضی:
- یک نفر سرکار آقا بشیرخان «سوار شده»، آمد. (ص ۳۸)
- من هم، روی ماهش را «زیارت نموده»، «خدا حافظی کرده»، حضرت اقدس، تشریف بردند. (ص ۷۴)
- زن آقا حسین صاحبخانه، جای «درست کرده»، همان جور شیرین زبانی می کرد. (ص ۸۴)

۹. قیدهای متون (تنویندار)، اغلب بدون وَنَدِ پسین «ا» (an-) به کار رفته است:

- «حقیقت»، خدا رحمت کند شاهنشاه سعید. شهید را. (ص ۳۶)

- حقیقت، انگور مزه‌داری بود. (ص ۸۰)

- حقیقت، انس، بد چیزی است. (ص ۸۳)

- حقیقت، خیلی شکر دارد [که] زنده‌ام. (ص ۱۱۰)

۱۰. استفاده از ترکیبهای مرسوم و متداول عمومی:

- «اُغراهی»، به معنی پولی که به گدا یا در آغاز سفر، به دوستان

می‌دهند: قدری پول زرد و شاهی سفید، برای خانم عروس، اغراهی التفات فرمودند. (ص ۲۲)

- «اخلاص کیش»، به معنی مخلص، بی غل و غش، بدون شیله پيله: من

که یک «اخلاص کیش» بیشتر نیستم ... روزی چندین مرتبه، قربان صدقه شاه می‌روم. (ص ۱۱۰)

- «بی شهر»، به معنی خارج محدوده، حاشیه و پیرامون شهر: ما را شهر

نبردند؛ یک محله «بی شهر» منزل داده‌اند. (ص ۹۸)

- «بی جمعیت»، به معنی خلوت، کم رهگذر: راههای بد، شب تاریک،

«بی جمعیت، یک طور بدی آمدم. (ص ۷۶)

- «میمنت اثر»، به معنی خوش فرجام، مبارک و خجسته‌پی: انشاءالله

این سفر، «میمنت اثر» خواهد بود. (ص ۲۴)

- «چادر کردن»، به معنی چادر پوشیدن، چادر سرکردن: عقب اینجانبه

فرستاده، داعیه، «چادر کردم»؛ سوار شده، به راه افتادیم. (ص ۳۷)

- «وقت چراغ»، به معنی سرشب و مغرب: وارد باغ که شدیم، «وقت

چراغ» بود. (ص ۷۵)

- «سرسلامتی»، به معنی تسلیت: بعد حضرت علیه، «سرسلامتی»

برای جناب وزیر پیغام فرستادند. (ص ۱۰۸)

- «منزل مبارکی»، به معنی خوشامدگوئی و خیرمقدم گفتن: سرکار آقا بشارت خان را، حضرت علیّه نزهت السّلطنه، فرستاده بودند «منزل مبارکی». (ص ۱۰۷)

- «استقبالچی»، به معنی استقبال‌کننده و کسی که به پیشباز دیگری می‌رود: کم‌کم سراسقبالچیه‌ها، باز شد. (ص ۵۹)

- «نهارگاه»، به معنی وقت نهار، ظهر: در بین راه، نهارگاه نهار خوردیم. (ص ۲۶)

- «روزنامه»، به معنی گزارش روزانه، یادداشت روز: این چند روز که در شیراز توقف داریم، دیگر «روزنامه» نمی‌نویسیم. (ص ۶۸)

- «زیارت چاپاری»، شاید به معنی زیارت سرپائی و همراه با شتاب و عجله باشد: صبح از خواب برخاسته، یک «زیارت چاپاری» رفتم. (ص ۳۰)

در تاریخ عضدی، آمده است: «پس از آنکه سلیمان خان اعتضادالدوله، متهم به بعضی خیالات شد، از حکومت آذربایجان - با [وجود] اقتدار و استقلالی که داشت - «بچاپاری» به تهران آمد که عرض معاندین را، مشهود پیشگاه شاهنشاه [فتحعلی شاه] بدارد.» (تاریخ عضدی: شاهزاده احمد میرزا عضدالدوله، به کوشش حسین کوهی کرمانی، چاپخانه مظاهری، چاپ دوم، تهران ۱۳۲۸ خ، ص ۴۱)

- «همه چیزدار»، به معنی کامل، تکمیل، بی‌کم و کاست:

معتمدالملک، یک دست شربت خوری «همه چیزدار». (ص ۷۳)

- «مبارکباد»، به معنی هدیه، چشم‌روشنی، کادو: امروز، «مبارکباد» زیادی آوردند. (ص ۶۶)

- «گذارا شدن»، به معنی گذشتن و عبور کردن: از زیر قرآن هفده من، گذارا شدیم. (ص ۶۰)

- «چراغیان»، به معنی چراغانی: همه خانه‌های خودشان را خالی

- کرده، «چراغبان» برای خانم نموده بودند. (ص ۸۹)
- «کمینه»، به معنی کمتر، کمترین و حقیر: خداوند ... سایه مبارک ایشان را، از سر این «کمینه‌های» دعاگو کم و کوتاه نفرماید. (ص ۳۸)
- «کاغذ» به معنی نامه و دعوتنامه: برای جناب معین‌الحرم، «کاغذ» نوشته، وعده‌خواهی کردند. (ص ۸۹)
- لفظ عامیانه «همچه»، به معنی این چنین، چنین: همچه چراغانی و آتشبازی و جمعیت، در هیچ عروسی دیده نشده. (ص ۶۴)
- «بالاخانه»، به معنی عمارت فوقانی: بالاخانه‌های خوبی، منزل ما بود. (ص ۲۶)
- «یخدان»، به معنی صندوق جالباسی: یخدان، عیب نکرده، اما اسباب توی یخدان را نمی‌دانم چه شده؟ (ص ۸۱)
- «کل زدن و کل کشیدن»، به معنی هلله و آوازی که زنان، در هنگام شادی به بانگ «لی‌لی» از دهن برمی‌آورند: زنها، کل می‌کشیدند (ص ۴۶)؛ زنها، جمع شده، کل می‌زدند. (ص ۴۹)
- «تجیر»، به معنی پرده کلفت کرباسی که آویخته نیست بلکه به ستونهای چوبی می‌بسته‌اند تا حکم دیوار را داشته باشد: جناب معین‌الحرم، فرستادند که اگر می‌خواهید بیائید تعزیه، پشت تجیر بیائید. آمدم پشت تجیر. (ص ۴۱)
۱۱. کاربرد اصطلاحات دیوانی و اداری:
- «دیوانخانه»، به معنی دربار، دارالحکومه، عدالتخانه: خبر کردند «دیوانخانه» قرق شده. (ص ۳۷)
- «پیشخانه»، به معنی اسباب و ادواتی که پادشاهان و حاکمان، پیش از سفر خود به منزلی می‌فرستادند: فرستادند تا «پیشخانه» را برگردانند و یک شب دیگر هم در قم بمانیم. (ص ۲۹)
- «اجزا»، به معنی کارمندان و اعضای اداره‌های دولتی: قندها و

شیرینیها را، میان «اجزا» تقسیم نمودند. (ص ۳۶)

- «آغاباشی»، به معنی رئیس و سرآغایان و خواجه سرایان: سه ساعت به غروب مانده، آغاباشی حضرت والا، با سرکار آغا بشیرخان کالسکه آورده بودند. (ص ۳۷)

- «موزیکانچی»، به معنی نوازنده موزیک و سرود: از کوچه باغهای آباده که می گذشتیم، یک فوج «موزیکانچی»، با لباس خوب حاضر بود. (ص ۴۵)
- «قورخانه چی»، به معنی سرباز و نگهبان اسلحه خانه: یک طاقه شال از اندرون و بیست تومان از وزیر گرفتند و به «قورخانه چیها» دادند. (ص ۴۹)

- «سیورسات»، به معنی خواربار و آذوقه سپاهیان و لشکریان و علوفه اسبان: «سیورسات» هم، گفته اند می دهم. (ص ۵۴)
- «شاطر»، به معنی پیاده چالاک که پیشاپیش امیران و شاهان می رفته است: امروز، شش نفر شاطرهای حضرت اشرف اقدس والا، آمده بودند. (ص ۵۶)

- «ناظر»، به معنی آشپز، خوانسار: شیرینی خوب، ناظر پخته، فرستاده. (ص ۵۷)

- «سرتیب کشیکخانه»، به معنی فرمانده پاسدارخانه: نهار و شام نواب «سرتیب کشیکخانه»، دو قاب. (ص ۷۸)

- «فراشخانه»، به معنی جایگاه خدمتکاران و پیشخدمتها: نهار و شام نایبهای فراشخانه، دو نفر، چهار قاب. (ص ۷۹)

- «تیول»، به معنی زمین یا درآمد آن که پادشاه، به بعضی از سرداران واگذار می کرده است: این دهات، تیول نواب والاشعاع الدوله و نواب والاحسام السلطنه است. (ص ۹۴)

- «آدم»، به معنی وردست و خدمتکار: «آدمهایم»، گفتند: برای زیارت بروید چهلستون. (ص ۹۲)

«شربتدار»، به معنی مسئول شربتخانه و رکابدار: خبر آوردند که یک نفر شربتدار را، عقرب زده. (ص ۹۸)

«بارخانه»، به معنی خوردها و پوشیدنیهایی که با استر و اشتر، از شهری به شهر دیگر فرستند: از شیراز، حضرت اشرف اسعد والا، «بارخانه» فرستاده بودند. (ص ۵۵-۵۶)

«پنجهزاری»، به معنی سکه نقره‌ای به ارزش پنج قران: یکصد دانه «پنجهزاری» هم، جناب حاجی مقتدرالملک، پیشکش گذاشته بود. (ص ۶۱)

۱۲. کاربرد حرف اضافه «با» به جای «به» و برعکس:

خیلی محبت «با» من دعاگو کردند. (ص ۳۸)

«به» احترام زیاد، مرا بردند تا به عمارت ارک رسیدیم. (ص ۳۷)

۱۳. به کار بردن حرف اضافه «را»، در معنی «به» و «با»:

آقامیرزا احمد خان «را» گفتم، همه را انعام داده و عذر خدمتشان را بخواهد. (ص ۳۹)

خانم سردار «را» وداع نموده، سوار شدیم. (ص ۷۴)

۱۴. حذف حرفهای اضافه «به» و «در»، از ابتدای متممها، به سبک زبان محاوره و گفتار:

«امروز باید [به] سیوند برویم. (ص ۷۹)

«چون [در] مقصودیگ سیورسات ندادند، مردم، بی آذوقه بودند. (ص ۸۴)

«خانمها هم، [در] اصفهان تشریف ندارند. (ص ۸۷)

«امروز باید [به] قم برویم. (ص ۱۰۳)

۱۵. دنبال کردن دستور خط (رسم الخط) ویژه:

«فعل «برخواستن» و مشتقات آن را، همواره به صورت «برخواستن»

یعنی با افزودن «و» آورده است: صبح از خواب «برخواسته»، بعد از ادای فریضه ... به راه افتادیم. (ص ۲۶)

- چرباندن کاربرد «ط» بر «ت»، در نگارش واژه‌های فارسی و ترکی تبار: در «اطاقها» را مهر کرده و عازم رفتن به اندرون شدیم (ص ۲۱)؛ خانم و ماها را گذرانیدند و با احترام زیاد، وارد «طالار» نمودند (ص ۶۰)؛ امروز باید به «طرق» [ترق، دهی در حومه شهرستان نطنز] برویم (ص ۹۳)؛ امروز باید به «طهران» برویم. (ص ۱۰۶)

- انداختن «ه» ناملفوظ (های بیان حرکت) از آخر کلمه‌ها، در هنگام جمع بستن آنها با «های جمع».

- «دخترخاله‌ای»، به جای «دخترخاله‌های»: امروز چند نفر از «دخترخاله‌ای» مادرم آمدند. (ص ۸۸)

- «خانه‌ای»، به جای «خانه‌های»: همه، «خانه‌ای» خودشان را ... چراغبان برای خانم نموده بودند. (ص ۸۸-۸۹)

- «کالسکه‌ها»، به جای «کالسکه‌ها»: «کالسکه‌ها»، به زحمت زیاد گذشت. (ص ۳۰)

- «کالسکچه‌ها»، به جای «کالسکه‌چیه‌ها»: کالسکچه‌ها، جلودارها و سوارها، همراه بودند. (ص ۳۹)

- در جای جای متن، «آغا» و «آقا»، به جای همدیگر به کار رفته است. و نیز، در بسیاری جاها، حرف «ک»، جایگزین «گ» شده است، مانند: تلکراف، نکاهی، ریک، کز، برک، مقصودیک، دیکر، و ...

۱۶. آوردن فعل و ضمیر جمع به جای مفرد، برای بلندپایگان و کسان برجسته، به تقلید از زبان گفتار: جناب معین‌الحرم - چونکه چند روزی [در] اصفهان «می‌مانند» و بعد [به] ده «خودشان» «می‌روند»، بعد از آن، به تهران «خواهند آمد» - امروز، برای خدا حافظی «تشریف آوردند». (ص ۹۱)

۱۷. عددهای ترتیبی (شمارشی)، اغلب به صورت عدد اصلی، در عنوانها آمده است:

- پنج‌شنبه، «بیست و پنج» ربیع‌الثانی، منزل «بیست و سه» سفر [به شیراز]. (ص ۵۰)

- شنبه، «هفده» جمادی‌الثانیه، عزم خروج از اصفهان. (ص ۹۰)

۱۸. حذف جزء فعلی «است»، از ترکیبهای فعلی «ماضی نقلی»:

- جناب رکن‌الملک، ... نذری به این آقا کرده [است]؛ مطلب او روا

شده [است]؛ این تعمیرات را کرده [است]. (ص ۹۱)

- برادر جناب وزیر، ناخوش شده [است]. (ص ۹۲)

- امروز احوال آقا میرزا اسدالله خان، سنگین‌تر شده [است]. (ص ۱۰۲)

۱۹. تقدیم «فعل» بر دیگر اجزای جمله، به سبک زبان شعریا به سیاق

زبان گفتار:

- آدم‌هایم، گفتند: برای زیارت، «بروید» چهلستون. چادر کردیم،

«رفتیم» چهلستون. «رفتیم» بالاخانه. (ص ۹۲)

- چادر کرده، سوار شدیم، «آمدیم» تا یک فرسنگی آباده. (ص ۴۵)

- یک طاقه شال، حضرت علیه، «التفات کردند» به آن شخص بزرگ

سوارها. (ص ۴۵)

شایان توجه است که سجاوندی مطالب، تشدیدها و نوشته‌های داخل

قلاب، در متن کتاب داخل شده و جزو اصل سفرنامه نبوده است.

یقیناً پیشگفتار عالمانه استاد ایرج افشار، بر غنای کتاب افزوده است

که از این بابت نیز، از ایشان سپاسگزارم.

امید است خوانندگان گرامی، با ارشادات و رهنمودهای خود، ما را از

لغزشهای احتمالی باخبر سازند تا در چاپهای بعدی، مورد توجه قرار گیرد.

نشانی مؤلف: تهران، ص پ ۴۷۶۱ - ۱۱۳۶۵.

تهران - بهار ۱۳۸۴

کیانوش گیانی هفت‌لنگ

خداوند عالم از خانه بیرون آمد و نوار کاسه شده اندرون رفتیم خداوند عالم
را قسم می‌دهیم محبت سزاواران است که کار و معرشت و عالم پند و اندرز
به خاطر کند تا راه خود را در این دنیا نشانی است بر گرداند از تصدق سر به
سعد و کسب و بر سر راه خطا کند و بنده دارم و در سبب یک بهتر و دارد
بیشتر و عروس بدست خدمت حضرت اشرف بعد از اشرف مطهر عالم
بارگشتن شده و اما حضرت الهام دول خوش بدست این ولایت بر آید
این دعا در فرم و از خیر کائنات این ^{بهر رفته} دارد و اندرون شدیم
و به عید یار نیست استیلا و است که نه نیست محبت و هر یک از خود
قرار دل زود و شایسته بر سر خانم عروس و سر راه نجات فرمودند
بمقام آداب از دل آمده و سفر شیرین و بهیچ جانب فرمودند از دل
بیرون آید و کاسه ^{مشتاق} حضرت یحیی حضرت علی علیه السلام
و حضرت علی علیه السلام و از خانم عروس در کاسه نشسته بر آید